

جرم بی مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه بندی شده

محمد جعفر حبیب زاده*

استاد گروه حقوق دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس

قاسم کرامت

دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه

تربیت مدرس

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱/۲۸ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۱/۸)

چکیده:

پیشرفت های علمی، تمامی زوایای زندگی بشر از جمله کیفیت ارتکاب جرائم را تحت تاثیر قرار داده و متحول ساخته است. از مهم ترین جرائمی که کیفیت ارتکاب آنها با پیشرفت علم به شکل قابل توجه متنوع و پیچیده شده، جاسوسی و جرائم مرتبط با آن است. یکی از شیوه های جدید مورد استفاده دشمن برای جمع آوری اطلاعات از جمهوری اسلامی، روش تخلیه اطلاعاتی است. به دنبال افزایش میزان بهره برداری از شیوه مزبور، قانون گذار در سال ۱۳۷۵ به منظور بالا بردن میزان دقت ماموران دولتی در حفظ و نگهداری اسرار نظام، بی مبالاتی آنان را در زمینه حفظ اطلاعات طبقه بندی شده تحت عنوان تخلیه اطلاعاتی جرم انگاری کرد. لیکن نحوه نگارش ماده قانونی ذی ربط، ابهامات و اشکالاتی را به وجود آورده است. در مقاله حاضر، ضمن اشاره مختصر به تاریخچه موضوع و ارائه تعریفی از جرم، به تجزیه و تحلیل مقررات قانونی مرتبط با آن پرداخته شده است.

واژگان کلیدی:

تخلیه اطلاعاتی، افشای اطلاعات، ماموران دولتی، دشمن، اطلاعات طبقه بندی شده.

(۱) مقدمه

جرم و ارتکاب آن، دارای سابقه‌ای به اندازه‌ی عمر بشر است و همانند تمامی پدیده‌های اجتماعی در گذر زمان و به موازات پیشرفت بشر در زمینه‌های مختلف و پیچیده تر شدن روابط اجتماعی انسان، پیچیده تر شده است. بزهکاران به منظور دسترسی زودتر به اهداف خود و نیز کاهش هزینه‌های ارتکاب جرم و فرار از تبعات قانونی ارتکاب آن، تلاش می‌کنند از ابزارها و شیوه‌های جدیدتر و پیچیده تر استفاده نمایند. جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات مربوط به منافع ملی کشورها، خصوصاً کشورهای دشمن از این تغییر و تحول مستثنی نبوده و در راستای پیشرفت علم و اختراع وسایل و سیستم‌های پیشرفته ارتباطی، شیوه‌های آن تنوع و پیچیدگی بیشتر پیدا کرده است. به گونه‌ای که علاوه بر روش‌های جاسوسی متداول و سنتی، استفاده از شیوه‌های علمی پیچیده و تکنولوژی‌های فنی پیشرفته همچون بهره‌برداری از سیستم‌های مخابراتی، ماهواره‌های فضایی و راه‌اندازی ایستگاه‌های استراق‌سمع بسیار قوی، در دستور کار قرار گرفته است.

یکی از شیوه‌های نوین، پیچیده، کم‌هزینه و بی‌خطر که در سال‌های اخیر به کار گرفته شده، روش تخلیه‌ی اطلاعاتی (Elicitation) است. در این شیوه تخلیه‌کنندگان برای کسب اطلاعات مورد نظر خویش، با زمینه‌چینی‌های مناسب، با دارندگان این اطلاعات ارتباط برقرار کرده و با استفاده از عناوین، اسامی و القاب دروغین و دیگر شیوه‌های فریبنده و اغواکننده، ابتدا اعتماد مخاطب را جلب و سپس با به‌کارگیری تکنیک‌ها و شگردهایی از قبیل زیرپا‌کشی، یک‌دستی، تجاهل، استنطاق، تطمیع، تهدید و غیره اقدام به کسب اطلاعات طبقه‌بندی شده (Classified information) می‌نمایند. برقراری این ارتباط در اغلب قریب به اتفاق موارد رسیدگی شده توسط مراجع قضایی به صورت تلفنی انجام شده است. تحقیقات به عمل آمده، نشان می‌دهد که از ابتدا تاکنون، متداول‌ترین نوع تخلیه‌ی اطلاعاتی، تخلیه‌ی فرد دارای اطلاعات از طریق برقراری ارتباط مستقیم تلفنی بوده است و به همین دلیل، به این سبک از جمع‌آوری اطلاعات «جاسوسی تلفنی» و «تخلیه‌ی تلفنی» نیز گفته می‌شود.

نخستین شواهد به دست آمده در خصوص تلاش‌های صورت گرفته در این زمینه، به سال ۱۳۵۹ بر می‌گردد که سازمان مجاهدین خلق برای مقابله با انقلاب اسلامی متوسل به این شیوه شده است (جمعی از پژوهشگران، بهار ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۲۵۸). در این سال، مرکزیت سازمان مزبور در رهنمودی خطاب به برخی از اعضای خود تأکید کرد به دلیل فقدان پیچیدگی لازم در نظام جمهوری اسلامی، می‌توان از این روش، جهت کسب اطلاعات استفاده کرد^۱ و از آنجا که

۱. متن رهنمود مرکزیت که پیش از ورود سازمان موصوف به مرحله‌ی مقابله‌ی مسلحانه با نظام جمهوری اسلامی صادر شده است، به نقل از کتاب سازمان مجاهدین خلق - پیدایی تا فرجام، جلد ۳ صفحه‌ی ۲۵۸، به شرح زیر می‌باشد:

تخلیه‌ی تلفنی، به دلیل سهل‌الوصول، کم هزینه و کم خطر بودن، سرعت بیشتر در دسترسی و انتقال اطلاعات، امکان دست یابی به همهی مراکز و افراد مورد نظر، عدم هوشیاری و فقدان آموزش کافی در بین بسیاری از مسئولان و ضعف امکانات فنی در جلوگیری از این شیوه، نسبت به سایر روش‌های جاسوسی از امتیازات منحصر به فردی برخوردار است، در سطحی وسیع مورد استفاده قرار گرفت و در بسیاری از موارد به کار بردن آن، توأم با موفقیت نیز بوده است.

سازمان مجاهدین خلق در دوران جنگ تحمیلی و از زمان حضور تشکیلاتی در عراق، در جهت افزایش خدمات خود به رژیم سابق آن کشور، از اطلاعات به دست آمده در زمینه‌ی اطلاع رسانی به عراق استفاده می‌کرد (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۲۵۷) و درگذر زمان و با کسب تجربه و مهارت، حوزه‌ی فعالیت خود را گسترش داد و علاوه بر تغذیه‌ی اطلاعاتی عراق، به منظور تحکیم موقعیت خویش نزد دشمنان انقلاب اسلامی، به دست آوردن یک جایگاه بین‌المللی، تامین مالی خود و مشکل آفرینی برای نظام جمهوری اسلامی، از این اطلاعات برای اطلاع رسانی به آمریکا نیز بهره برداری کرده است (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۴۸۲). اشغال عراق توسط نیروهای آمریکایی و تسلط ارتش آمریکا بر این کشور، نه تنها فعالیت منافقین را تعطیل نکرد بلکه به گواهی پرونده‌های مطرح شده در سیستم قضایی کشور، بر پیچیدگی و عمق بخشی به آن افزود.

به دنبال گسترش به کارگیری این شیوه و افزایش موارد تخلیه‌ی اطلاعاتی و به دلیل عدم وجود نص قانونی مشخص که در برگزیده‌ی تخلیه شدن افراد دارای اطلاعات باشد، قانون‌گذار هنگام تصویب قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) در سال ۱۳۷۵، با هدف مقابله با این ترفند و به منظور بالا بردن میزان دقت و هوشیاری مأموران دولتی در حفظ و نگهداری

«چگونه می‌توان با تلفن از مزدوران ارتجاع اطلاعات گرفت:

بعضی از مسئولین ارگان‌های مختلف ارتجاع که با مسئله حفاظت برخورد مستقیمی ندارند هنوز نسبت به مسائل حساس نشده‌اند (به قول معروف هنوز آنتن دار نشده‌اند) لذا از طریق تلفن می‌توان پاره‌ای اطلاعات را که بعضاً مهم نیز هست از آنها گرفت.

۱- در مورد سوژه‌هایی که هیچ ردی از آنها نداریم می‌توان از ارگان‌های مختلف در مورد سوژه اطلاعات گرفت و با ارتباط این اطلاعات می‌توان به سرنخ‌هایی رسید.

۲- در مورد سوژه‌هایی که اطلاعات مختصری از آنها داریم از طریق تلفن این اطلاعات را کامل کنیم. اکنون تجربیاتی که در این زمینه وجود دارد توضیح می‌دهیم.

مهم‌ترین قسمت تلفن محمل آن است. محمل باید خیلی جا افتاده و حساب شده باشد که اصلاً به ذهن طرف نرسد که ممکن است تلفن مشکوک باشد. برای انتخاب محمل باید به پارامترهای زیر توجه نمود:

قبلاً باید روی محمل فکر کرد و برای تمام سئوال‌هایی که ممکن است حول و حوش محمل مطرح شده‌اند جواب تهیه کرد...»

اسرار نظام، بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده و تخلیه‌ی اطلاعاتی شدن آنان را طی ماده‌ی ۵۰۶ جرم‌انگاری کرد و بدین ترتیب برای نخستین بار، جرم یاد شده وارد قوانین کیفری ایران شد؛ اما عدم ارائه‌ی تعریفی مشخص از جرم و عدم دقت در نگارش و تنظیم متن قانون، موجب ابهامات نظری و اشکالات عملی فراوان گردید. به دنبال این جرم‌انگاری و به دلیل قابل توجه بودن آمار تخلیه‌ی اطلاعاتی در سطح نیروهای مسلح و تبعات زیان‌بار ناشی از آن، در سال ۱۳۸۲، جرم مزبور با تفاوت ناچیز به قانون جدید مجازات جرائم نیروهای مسلح نیز راه پیدا کرد و ماده‌ی ۲۸ قانون مزبور به آن اختصاص یافت.

در قوانین کیفری سایر کشورها از جمله فرانسه، چین، مصر، اردن و سوریه مقرر شده است که در ماده‌ی ۵۰۶ مشاهده نگردید. آن چه در قوانین این کشورها پیش‌بینی شده احکامی کلی راجع به افشای عمدی و غیرعمدی اطلاعات طبقه‌بندی شده است. قانون مجازات فرانسه (مواد ۹-۴۱۳ تا ۴۱۳-۱۲) و قانون مجازات مصر (ماده ۸۰ - و) در این زمینه جامع‌ترند و با اندکی تسامح می‌توان مقررات موصوف را در برگیرنده‌ی تخلیه‌ی اطلاعاتی شدن نیز قلمداد کرد.

این پژوهش که با توجه به ماهیت موضوع، با استفاده از روش تحلیلی توصیفی انجام شده در پی آن است که ضمن بررسی و تجزیه و تحلیل ابعاد حقوقی این پدیده‌ی مجرمانه که به عنوان یک جرم علیه امنیت و مرتبط با جرم جاسوسی وارد قوانین موضوعه‌ی جدید کشور ما شده است، به چرایی و چگونگی تخلیه‌ی اطلاعاتی بپردازد و به سوالات موجود در این زمینه از جمله چیستی تخلیه‌ی اطلاعاتی، هویت مرتکبین آن، نتیجه و تفاوت آن با جرم افشای اطلاعات (Information Divulgement) پاسخ دهد.

به دلیل نو بودن موضوع و فقدان تحقیقات علمی در خصوص آن، در گردآوری اطلاعات علاوه بر مراجعه به آثار مکتوب بسیار اندک و ناقص موجود، با تعدادی از قضات، حقوقدانان کیفری و چند نفر از مأموران تخلیه‌شده، مصاحبه‌ی شفاهی و غیرسازمان یافته به عمل آمد و برای تکمیل کار، با استفاده از روش نمونه‌پژوهی، تعدادی پرونده‌ی کیفری رسیدگی شده مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت.

۲) تعریف جرم

قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی و قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح از جرم «بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده (تخلیه‌ی اطلاعاتی)» تعریفی ارائه نکرده و آنچه راجع به این جرم پیش‌بینی شده، توصیف مرتکب و بیان شرایط تحقق جرم است. در متون حقوقی نیز چنین تعریفی بدست نیامد. با در نظر گرفتن مفاد قانون و به اعتبار رفتار مجرمانه‌ی مأمور دولتی، این جرم را می‌توان چنین تعریف کرد: فرآیندی است که طی آن مأمور دولتی

آموزش دیده و مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه بندی شده، در اثر بی‌مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی توسط دشمنان تخلیه‌ی اطلاعاتی شود.

هر چند این جرم، با جرم افشای سرّ مزبور در ماده ۶۴۸ ق.م.ا. تفاوت ماهوی دارد، لیکن از برخی جهات، ممکن است با جرم افشای اطلاعات طبقه‌بندی شده‌ی دولتی شباهت داشته باشد که وجود شباهت‌های احتمالی سبب ارائه‌ی تحلیل نادرست توسط برخی از نویسندگان و اعلام تحییّر برخی دیگر از آنان گردیده است. در تعریف بالا، با آوردن قیود لازم در ضمن تعریف، تمام مصادیق رفتارهای مجرمانه از جمله جرائم افشای اطلاعات از دایره‌ی شمول آن خارج و سعی در تأمین جامعیت و مانعیت تعریف شده است. به گونه‌ای که از دقت در عبارات و مفاهیم به کار رفته در تعریف، تفاوت میان جرم بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه بندی شده با جرم افشای اطلاعات دارای طبقه بندی به آسانی قابل دریافت می‌باشد.

عبارت «بی‌مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی» در تعریف که از مصادیق خطای کیفری است، این جرم را از زمره‌ی جرایم عمدی از جمله افشای عمدی اطلاعات دارای طبقه بندی مزبور در ماده‌ی ۲ قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی مصوب ۱۳۵۳ و ماده‌ی ۲۶ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، متمایز کرده است. استفاده از عبارت «تخلیه‌ی اطلاعاتی» که متضمن نوعی زمینه چینی برای دستیابی دشمن به اطلاعات و بیانگر شیوه‌ی خاص وقوع جرم است از یک طرف و تأکید بر لزوم دشمن بودن تخلیه کننده (Elicitor) از طرف دیگر، جرم مزبور را از جرم افشای غیر عمدی اطلاعات طبقه بندی شده‌ی موضوع قسمت پایانی ماده‌ی ۲ قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی و ماده‌ی ۲۷ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مجزا کرده است. توضیح این که در جرم بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه بندی شده (تخلیه‌ی اطلاعاتی)، مرتکب جرم منفعلانه و تحت تأثیر زمینه چینی‌های تخلیه کننده در فرآیند مجرمانه شرکت دارد و تخلیه کننده است که فعالانه در صحنه حضور پیدا می‌کند و با استفاده از بی‌مبالاتی و یا عدم رعایت اصول حفاظتی مأمور تخلیه شده، او را در این مسیر قرار می‌دهد. لیکن در جرم افشای غیر عمدی این‌گونه نیست و ظاهراً دلیل کمتر بودن مجازات جرم بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه بندی شده از جرم افشای غیرعمدی اطلاعات دارای طبقه بندی نیز همین است.

از آنجا که قانون‌گذار تخلیه شدن افرادی خاص را جرم انگاری کرده است، تعریف علاوه بر مانعیت از حیث موضوع و عدم شمول بر جرائم دیگر، باید از جهت فاعلی و عدم سرایت حکم بیان شده به سایر افرادی که مد نظر قانون‌گذار نیستند نیز مانعیت داشته باشد. به همین دلیل در تعریف، عبارات «مأموران دولتی»، «آموزش دیده» و «مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی

طبقه بندی شده» آورده شده است، تا بدین وسیله تمامی افراد به جز آن دسته که قانون‌گذار مبادرت به وضع حکم در خصوص آنها کرده، از گستره و دامنه شمول تعریف خارج بمانند.

۳) ارکان جرم

از لحاظ حقوق کیفری برای اینکه رفتاری جرم تلقی گردد، باید دارای ارکان عمومی و عناصر اختصاصی باشد. داشتن علم و شناخت کافی نسبت به این ارکان و شرایط در هر مورد، شرط تشخیص صحیح و تطبیق دقیق آن بر حکم قانونی ذریبط است. جرم بی مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه بندی شده (تخلیه‌ی اطلاعاتی) نیز همانند سایر جرائم، علاوه بر ارکان عمومی سه گانه‌ی قانونی، مادی و روانی، واجد شرایط و عناصر دیگری است که اختصاص به این جرم دارند و آن را از سایر جرائم متمایز می‌سازند.

۳-۱) رکن قانونی

رکن قانونی جرم تخلیه اطلاعاتی، مواد ۵۰۶ و ۵۰۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب سال ۱۳۷۵ می‌باشد. به موجب ماده‌ی ۵۰۶: «چنانچه مأمورین دولتی که مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه بندی شده می‌باشند و به آنها آموزش لازم داده شده است در اثر بی مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی توسط دشمنان تخلیه اطلاعاتی شوند به یک تا شش ماه حبس محکوم می‌شوند». در صورت ارتکاب جرم در زمان جنگ، مرتکب به مجازات اشد (شش ماه) محکوم می‌گردد (ماده ۵۰۹ همان قانون).

این جرم قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵) سابقه‌ای در قوانین ما نداشته است. لیکن نزدیک ترین مقرره‌ی قانونی به جرم تخلیه اطلاعاتی که پیش از وضع ماده ۵۰۶ نیز وجود داشته، قسمت آخر ماده‌ی ۲ قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی مصوب ۲۹ بهمن ماه ۱۳۵۳ می‌باشد. برابر این ماده: «... در صورتی که افشای اسناد مذکور در اثر عدم رعایت نظامات و یا در اثر غفلت و مسامحه‌ی مأمور حفاظت آنها صورت گرفته باشد، مجازات او سه تا شش ماه حبس جنحه‌ای خواهد بود». به رغم شباهت ظاهری موجود بین رفتار مجرمانه این جرم با جرم موضوع ماده ۵۰۶، به دلیل تفاوت ماهوی «افشاء» (Divulgence) که از باب افعال و به معنای فاش کردن و آشکار کردن است، با «تخلیه» (Elicitation) از باب تفعیل به معنای خالی کردن و تهی ساختن، این حکم شامل جرم بی مبالاتی در حفظ اطلاعات دارای طبقه بندی نمی‌گردد.

از حکم عام ماده ۵۰۶ ق. م. ا. که شامل تمامی مأمورین دولتی مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی می‌شود، ماده‌ی ۲۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، افراد نظامی

را خارج ساخته است. ماده‌ی موصوف چنین بیان می‌دارد: «هر نظامی که پس از آموزش لازم در مورد حفاظت اطلاعات طبقه‌بندی شده، در اثر بی‌مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی، توسط دشمنان و یا بیگانگان تخلیه اطلاعاتی شود، به یک تا شش ماه حبس محکوم می‌شود». همان‌گونه که ملاحظه می‌شود ماده‌ی ۲۸ ق.م.ج.ن.م. تفاوتی اندک با ماده‌ی ۵۰۶ ق.م.ا. دارد. ماده‌ی ۵۰۶ تنها شامل مامورانی می‌شود که دارای مسئولیت امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه‌بندی شده باشند. در صورتی که ماده‌ی ۲۸ قید مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه‌بندی شده را برای افراد نظامی نیاورده و تمام نظامیان را مشمول حکم قرار داده است. تفاوت دیگر این دو ماده مربوط به هویت تخلیه‌کننده می‌باشد. در ماده‌ی ۵۰۶ فقط تخلیه‌ی اطلاعاتی توسط دشمنان جرم معرفی شده، در صورتی که در ماده‌ی ۲۸ علاوه بر دشمنان، تخلیه‌ی اطلاعاتی توسط بیگانگان نیز مستوجب مجازات دانسته شده است؛ «بیگانگان» لفظ عامی است که افراد بیگانه‌ی غیر دشمن را نیز در برمی‌گیرد. بدین ترتیب، قانون‌گذار نسبت به وقوع این جرم در سطح نیروهای مسلح، حساسیت بیشتر نشان داده و تلاش کرده است تمام مصادیق تخلیه‌ی اطلاعاتی را تحت شمول ماده‌ی مزبور قرار دهد.

۲-۳) رکن مادی

از عناصر و اجزای تشکیل دهنده‌ی جرم، علاوه بر رفتار مجرمانه، آنچه خارج از فعل و انفعالات ذهنی است و دارای جنبه‌ی عینی و مادی می‌باشد، در این قسمت و ذیل رکن مادی مورد بحث و گفتگو قرار می‌گیرد.

۱-۲-۳) رفتار مجرمانه

مهم‌ترین و اصلی‌ترین عنصر رکن مادی هر جرمی، رفتار مجرمانه است که ارتکاب آن از سوی قانون‌گذار منع و برای آن مجازات تعیین شده است. در تجزیه و تحلیل رکن مادی جرائم، هر چند شناخت صحیح و تشخیص دقیق تمامی عناصر مهم می‌باشد، لیکن اهمیت شناخت رفتار مجرمانه دوچندان است. با وجود این اهمیت، در بررسی تألیفات و نظرات بیان شده درباره‌ی رفتار مجرمانه‌ی جرم بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده (تخلیه‌ی اطلاعاتی)، تهاافت آراء و اختلاف نظر شدیدی ملاحظه می‌شود که به نظر می‌رسد ناشی از نحوه‌ی نگارش قانون است. در این خصوص، چهار نظر متفاوت وجود دارد: به موجب یک نظر رفتار مجرمانه‌ی جرم مزبور فعل (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۳؛ یزدانیا، ۱۳۸۳، ص ۴۴) و به موجب نظر دیگر ترک فعل است (مجیدی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۶)؛ گروه سوم بر این باورند که رفتار مجرمانه‌ی جرم مزبور اعم از فعل و ترک فعل است (زراعت، ۱۳۸۲، ص ۵۹؛ مالیر، ۱۳۸۳، ص ۷۶)؛ در

مقابل، برخی دیگر بیان داشته اند که جرم مورد نظر فاقد رفتار مجرمانه است و مأمور تخلیه شده فاعل معنوی جرم است که رکن مادی جرم خود را از تخلیه کننده به عاریت می برد (پیمانی، ۱۳۸۰، ص ۴۰؛ گلدوزیان، ۱۳۸۶، ص ۵۹۱؛ اشرافی، ۱۳۸۰، ص ۸۳). با توجه به نظرات متفاوت بیان شده، سؤال این است که بالاخره رفتار مجرمانه‌ی این جرم چیست؟ و مأمور دولتی در صورت ارتکاب چه رفتاری قابل مجازات شناخته می شود؟

در تکوین و تحقق جرم مزبور دو نفر نقش ایفاء می کنند؛ از یک طرف تخلیه کننده یا به تعبیر ماده‌ی قانونی دشمن و از طرف دیگر تخلیه شونده یا مأمور دولتی آموزش دیده و مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی، که البته بین آنها هیچ گونه وجه اشتراک و یا اتحاد منافع و یا توافقی برای تحقق جرم وجود ندارد. تخلیه کننده یا دشمن با هدف به دست آوردن اطلاعات مورد نظر خویش، به فردی مراجعه می کند که در واقع، تمام تلاش و سعی او حفظ این اطلاعات از دستبرد عوامل دشمن است. بنابراین، ناگزیر است برای وصول به منظور خویش، مبادرت به طراحی و زمینه چینی مناسب نماید، کما این که از عبارت «تخلیه‌ی اطلاعاتی» به کار رفته در ماده‌ی قانونی نیز نوعی زمینه چینی استفاده می شود و همان طور که قبلاً گفتیم، در عمل نیز عامل دشمن با زمینه چینی و طرح ریزی قبلی به مأمور دولتی مراجعه می کند.

مأمور دولتی آموزش دیده و مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی که محل رجوع دشمن است، هنگام مواجه شدن با تخلیه کننده، ممکن است هوشیاری لازم را نشان داده و اطلاعاتی در اختیار او قرار ندهد. یا در نتیجه‌ی بی مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی، تحت تأثیر زمینه چینی‌های تخلیه کننده قرار گرفته و دسترسی او را به اطلاعات طبقه بندی شده، میسر سازد. میسر ساختن دسترسی دشمن به اطلاعات هم می تواند در نتیجه فعلی چون ارائه کردن اطلاعات و بیان کردن صورت گیرد و هم می تواند در نتیجه ترک فعل، نظیر عدم ممانعت از ورود عامل دشمن به محل نگهداری اسناد و جلوگیری نکردن از رؤیت و مطالعه آنها توسط او باشد. در بیان قانون گذار نیز عبارت «عدم رعایت اصول حفاظتی» آمده که برخلاف بی مبالاتی که صرفاً ناظر بر ترک فعل است، حالت روانی هر دو رفتار فعل و ترک فعل را در بر می گیرد. بنابراین، رفتار مجرمانه‌ی محقق کننده‌ی جرم اعم از فعل و ترک فعل است. البته هرچند این نظر به ظاهر با برخی نظرات بیان شده در بالا مشابه است، لیکن از لحاظ محتوایی (اعم از مقدمات استدلالی و مؤخرات استنتاجی) با آن چه در آن نظرات آمده تفاوت دارد؛ زیرا برخی از قائلین به شمول رفتار مجرمانه‌ی جرم نسبت به فعل و ترک فعل، بر این اعتقادند که «عنصر مادی این جرم، بی مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی است... که ممکن است به صورت فعل مثبت یا گفتار یا ترک فعل محقق شود.» (زراعت، ۱۳۸۲، ص ۵۹). در صورتی که بی مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی، رکن روانی جرم است و نمی تواند به عنوان رفتار مجرمانه

محسوب شود. برخی دیگر از نویسندگان، به دلیل یکی پنداشتن این جرم با جرم افشای غیرعمدی اطلاعات، رفتار مجرمانه‌ی آن را اعم از فعل و ترک فعل در نظر گرفته‌اند؛ در صورتی که با عنایت به مطالب پیش گفته، جرم بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده جرمی متفاوت و جدا از جرم افشای غیر عمدی اطلاعات است و از نظر تحلیلی، حقوقی و منطبق قانون‌گذاری نمی‌توان این دو جرم را برابر و یکسان دانست.

خلاصه آن که در این فرآیند دو رفتار مجرمانه‌ی کاملاً متمایز از یکدیگر به وقوع می‌پیوندد و آنچه در ماده‌ی ۵۰۶ ق.م.ا. مستوجب مجازات معرفی شده، رفتار دوم و به عبارت دقیق‌تر، رفتار ارتكابی توسط مأمور است و ماده منصرف از رفتار مجرمانه‌ی تخلیه‌کننده است. برای این که رفتار مأمور، جرم بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده (تخلیه‌ی اطلاعاتی) محسوب شود، تخلیه باید توسط «دشمنان» صورت گیرد در غیر این صورت، جرم مورد بحث محقق نگشته و مأمور دولتی قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود.

در خصوص معنی و مفهوم «دشمن» تا قبل از سال ۱۳۸۲ شمسی به دلیل عدم وجود تعریف قانونی، اختلاف نظر وجود داشت. لیکن قانون‌گذار در این سال در ماده‌ی ۲۵ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، مبادرت به ارائه‌ی تعریفی از این واژه کرد و بدین ترتیب مشکل موجود در این زمینه، تا حدودی مرتفع گردید. برابر این ماده: «منظور از دشمن عبارت است از: اشرار، گروه‌ها و دولت‌هایی که با نظام جمهوری اسلامی ایران در حال جنگ بوده و یا قصد براندازی آن را دارند و یا اقدامات آنان برضد امنیت ملی است.

تبصره: هرگاه برای دادگاه، تشخیص دشمن یا دولت متخاصم محرز نباشد موضوع از طریق قوه قضائیه از شورای عالی امنیت ملی استعلام و نظر شورای مذکور ملاک خواهد بود.» هر چند این ماده به ظاهر، اصطلاح دشمن را تعریف کرده است، لیکن وجود برخی مفاهیم و عبارات در تعریف، در عمل تشخیص دشمن را با ابهاماتی مواجه می‌سازد؛ تعریف اشرار و منظور از آنها، شرایطی که در آن، اشرار یا گروهی خاص در حال جنگ با جمهوری اسلامی باید در نظر گرفته شود، تعریف امنیت ملی و همچنین احراز قصد براندازی جمهوری اسلامی از جمله آنهاست. در هر حال، تشخیص دشمن به عهده‌ی قاضی رسیدگی کننده به پرونده و ملاک دشمن بودن تخلیه‌کننده در زمان وقوع جرم است.

لازم به ذکر است که ماده‌ی ۲۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، علاوه بر دشمنان، تخلیه‌ی اطلاعاتی افراد نظامی توسط بیگانگان را نیز جرم دانسته است. منظور از بیگانگان اتباع سایر کشورهاست که به دلیل اطلاق عبارت ماده‌ی قانونی، اتباع کلیه‌ی کشورهای بیگانه را شامل می‌شود و نوع و کیفیت ارتباط ایران با کشور متبوع تخلیه‌کننده و وضعیت حاکم بر

مناسبات دو کشور تأثیری در موضوع بحث ندارد و بدین ترتیب قانون‌گذار دامنه‌ی شمول این جرم را در ارتباط با نیروهای مسلح گسترش داده است.

در برخی از نوشته‌ها گفته شده «منظور از بیگانگان کسانی هستند که صلاحیت دسترسی به اطلاعات طبقه بندی شده را ندارند» (مالمیر، ۱۳۸۳، ص ۷۶). این مطلب به دلیل عدم ظهور لفظ در معنای بیان شده و تفسیر به ضرر متهم برخلاف ظاهر، صحیح به نظر نمی‌رسد؛ در تأیید این استدلال می‌توان به استفاده‌ی قانون‌گذار از اصطلاح «بیگانگان» در کنار لفظ «دشمنان» در ماده‌ی قانونی نیز تمسک جست. با این توضیح که اگر منظور قانون‌گذار از کلمه‌ی «بیگانگان» افراد فاقد صلاحیت بوده است، رابطه بین این دو واژه عموم و خصوص مطلق می‌شد و اصطلاح «بیگانگان» بر «دشمنان» شمول کامل پیدا می‌کرد و در این صورت، لفظ اخیر که مصداق اجزای افراد فاقد صلاحیت است، زائد بوده و ضرورتی برای ذکر آن وجود نداشت.

۲-۲-۳) موضوع جرم

موضوع جرم مورد بحث، اطلاعات طبقه بندی شده است. یعنی اطلاعاتی که افشای آنها مغایر با مصالح مملکت می‌باشد. به موجب ماده ۱ قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی، اسناد طبقه بندی شده، اسنادی است که افشای آنها مغایر با مصالح دولت و یا مملکت و یا مغایر با مصالح خاص مربوط به وظایف و فعالیت های وزارتخانه ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت و شرکت‌های دولتی باشد. به استناد ماده ۱ آیین نامه طرز نگاهداری اسناد سری و محرمانه دولتی و طبقه بندی و نحوه مشخص نمودن نوع اسناد و اطلاعات، اسناد دارای طبقه‌بندی به چهار طبقه‌ی محرمانه، خیلی محرمانه، سری و به کلی سری تقسیم می‌شود. بدین ترتیب اطلاعات تخلیه شده باید دارای یکی از طبقات چهارگانه‌ی مزبور باشد. قانون‌گذار در تحقق جرم و تعیین مجازات آن، بین انواع اسناد و اطلاعات از حیث طبقه‌ای که در آن قرار دارند، تفاوتی قائل نشده است و مجازات فرد تخلیه شده ای که در نتیجه بی‌مبالاتی، موجبات دسترسی دشمن به اطلاعات به کلی سری را فراهم کرده با مجازات فردی که اطلاعات تخلیه شده‌ی او محرمانه بوده، یکی قرار داده است. نکته‌ی قابل ذکر این است که احراز انتشار علنی قبلی اطلاعات موصوف و آگاهی پیشاپیش عموم نسبت به آن، مانع از تحقق جرم می‌گردد؛ لیکن افشای جزئیات اعلام نشده‌ی یک واقعه‌ی آشکار شده، برای تحقق جرم کفایت می‌کند. بنابراین، مقررات مواد مزبور، بر عمل کسی که در یک تخلیه-ی اطلاعاتی، متن یک معاهده‌ی هم پیمانی سری را به دشمن می‌دهد قابل انطباق است، اگرچه وقوع این هم پیمانی به صورت رسمی از طرف دولت به اطلاع عموم رسیده باشد. هم چنین حکم مزبور، بر رفتار کسی که متن مراسلات رد و بدل شده‌ی مربوط به یک معاهده‌ی

انتشار یافته را در تخلیه‌ی اطلاعاتی به دشمن بدهد، منطبق می‌گردد (عبدالملک، بی تا، ص ۱۰۰).

سوال قابل طرح در اینجا این است که اگر مامور دولتی (نظامی یا غیر نظامی) در تخلیه‌ای که صورت می‌گیرد اطلاعات فاقد طبقه‌بندی ولی ارزشمند برای تخلیه‌کننده را ارائه نماید، آیا جرم موصوف (با جمع سایر شرایط قانونی) تحقق یافته و مامور به اتهام ارتکاب جرم تخلیه‌ی اطلاعاتی قابل تعقیب است یا خیر؟ توضیح این که فرد تخلیه‌کننده برای رسیدن به منظور و مقصود خویش (دستیابی به اطلاعات طبقه‌بندی شده)، نیاز به اطلاعات اولیه‌ای نظیر شماره تلفن هدف، مشخصات کلی هدف، اسامی افراد و مراکز مرتبط و... دارد تا در تماس با فرد مورد نظر خویش، از آنها استفاده کند. این اطلاعات ممکن است فاقد طبقه‌بندی و تهیه آنها از راه‌های مختلفی امکان‌پذیر باشد، با این حال اگر دشمن اطلاعات موصوف را با استفاده از شیوه‌ی مذکور در مواد ۵۰۶ ق.م.ا. و ۲۸ ق.م.ج.ن.م. کسب کند آیا مامور تخلیه‌شده، قابل مجازات است؟

هر چند این اطلاعات دارای ارزش بوده و به دشمن داده شده است و دشمن نیز از آنها در راستای ارتکاب جرم استفاده خواهد کرد، لیکن با توجه به عبارات به کار رفته در مواد قانونی، دادن اطلاعات فاقد طبقه‌بندی به دشمنان و بیگانگان مشمول عنوان تخلیه‌ی اطلاعاتی نمی‌گردد و به استناد مواد یاد شده، مرتکب این عمل قابل مجازات نیست. هم چنین این فرد هر چند ارتکاب جرم توسط تخلیه‌کننده را تسهیل کرده است اما به دلیل عدم وجود وحدت قصد بین او و عامل دشمن یا بیگانه، نمی‌توان او را به عنوان معاون جرم، تلقی و تعقیب کرد. بنابراین، شرط تحقق جرم این است که اطلاعات تخلیه‌شده، دارای طبقه‌بندی باشد و از آنجا که در این فرآیند اطلاعات به دشمن و یا بیگانگان داده می‌شود و ضرر ناشی از جرم متوجه مصالح کلی نظام و مملکت یا امنیت و نظم عمومی می‌گردد، این جرم از جمله جرائم علیه امنیت محسوب شده و قانون‌گذار آن را در فصل مربوط به جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی ذکر کرده است.

۳-۲-۳) شخصیت مرتکب جرم

این جرم قابل ارتکاب توسط هرکسی نیست و حتماً باید اوصاف مد نظر قانون‌گذار، در فرد تخلیه‌شده جمع باشد تا جرم محقق گردد؛ این اوصاف که می‌توان آنها را به عنوان شروط مقدم نیز تلقی کرد، عبارتند از:

الف- مامور دولت بودن

ماده‌ی ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی صراحت دارد که جرم بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده (تخلیه‌ی اطلاعاتی) فقط توسط مامورین دولتی قابل ارتکاب است. چنانچه عبارت «مامورین دولتی» را بر معنای متعارف آن حمل کنیم، کسانی مشمول ماده خواهند بود که دارای نوعی رابطه‌ی استخدامی با دولت اند؛ موقتی یا دائمی بودن رابطه‌ی استخدامی و تبعه ایران یا بیگانه بودن مامور، تغییری در حکم ایجاد نمی‌کند. علاوه بر معنای فوق می‌توان معنای عام‌تری به این عبارت داد و آن را شامل هر کسی دانست که به نوعی عهده‌دار ماموریت از سوی دولت می‌باشد و حفاظت از اطلاعات طبقه‌بندی شده به او محول گردیده است؛ در این صورت ضرورتی به وجود رابطه‌ی استخدامی نخواهد بود.

برابر بررسی انجام شده، رویه قضائی معنای اول را پذیرفته و وجود رابطه‌ی استخدامی را شرط می‌داند؛ این دیدگاه به رغم انطباق با تفسیر قانون به نفع متهم به دلیل عدم هم‌خوانی با ظاهر عبارت قانون، محل تأمل است.

ب- داشتن مسئولیت حفاظتی و اطلاعاتی

صرف مامور دولتی بودن برای تحقق جرم ماده‌ی ۵۰۶ کفایت نمی‌کند بلکه برای این که فرد تخلیه شده به استناد این ماده قابل مجازات شناخته شود، باید علاوه بر وصف مزبور، «مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه‌بندی شده» نیز باشد. بنابراین اگر مامور دولتی، فاقد چنین مسئولیتی باشد، حتی در صورت داشتن اطلاعات طبقه‌بندی شده و تخلیه شدن توسط دشمنان، قابل مجازات به استناد این ماده نخواهد بود.

البته ماده‌ی ۲۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، نظامی بودن فرد را کافی برای تحقق جرم تخلیه اطلاعاتی دانسته و برخلاف ماده‌ی ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی، ذکری از «مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه‌بندی شده» نکرده است. عدم ذکر این قید به معنی توسعه‌ی دامنه‌ی شمول حکم مزبور در ماده نسبت به تمامی نظامیان است. افراد نظامی به استناد ماده ۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح عبارتند از:

- ۱) کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌های وابسته؛
- ۲) کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌های وابسته؛
- ۳) کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و سازمان‌های وابسته و اعضای بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛
- ۴) کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان‌های وابسته؛
- ۵) کارکنان مشمول قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران؛

- ۶) کارکنان و وظیفه از تاریخ شروع خدمت تا پایان آن؛
- ۷) محصلان موضوع قوانین استخدامی نیروهای مسلح، محصلان مراکز آموزش نظامی و انتظامی در داخل و خارج از کشور و نیز محصلان مراکز آموزش وزارت دفاع؛
- ۸) کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران هستند و طبق قوانین استخدامی نیروهای مسلح در مدت مزبور از اعضای نیروهای مسلح محسوب می‌شوند».

ج) گذراندن آموزش لازم

مرتکب جرم علاوه بر اوصاف پیش گفته، می‌بایست قبلاً آموزش لازم را در مورد حفظ اطلاعات طبقه بندی شده، دیده باشد، تا بتوان به استناد این مواد او را محکوم و مجازات کرد. در غیر این صورت، عمل او مشمول مواد موصوف نخواهد بود. بنابراین، ارائه‌ی تفسیر زیر از قید قانونی «آموزش لازم»، صحیح به نظر نمی‌رسد: «از شرایط تحقق این جرم این است که آموزش‌های لازم و ضروری به کارمند مورد نظر داده شده باشد، بنابر این هر گاه شخصی به عنوان تکنسین مخابرات به کار گرفته شود در صورتی که آموزش‌های مخابراتی لازم را ندیده باشد و مورد تخلیه‌ی اطلاعاتی واقع شود چنین شخصی قابل مجازات با این ماده قانونی نیست...» (اشرفی، ۱۳۸۰، ص ۸۳). گذراندن آموزش‌های مخابراتی، ارتباطی با موضوع تخلیه‌ی اطلاعاتی ندارد و آموزشی که تکنسین مخابرات مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی، در این خصوص نیاز دارد آموزش در مورد چگونگی حفظ اطلاعات طبقه بندی شده و رازداری می‌باشد.

نکته‌ای که در ارتباط با این قید، مهم به نظر می‌رسد، این است که منظور قانون‌گذار از آموزش لازم چیست؟ چه آموزشی، در چه سطحی و با چه کیفیتی می‌تواند تحقق بخش این شرط باشد؟ آیا آموزش باید ضمن دوره‌های تعریف شده و رسمی دارای مدرک باشد یا این که شرکت فرد در جلسات و سخنرانی‌های پراکنده و توجیهی نیز کفایت می‌کند؟ آیا صدور دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های توجیهی در زمینه‌ی رعایت اصول حفاظتی و نصب اعلامیه‌ها و پوسترها و مواردی از این قبیل محقق کننده‌ی شرط مذکور در ماده می‌باشد یا خیر؟

قانون‌گذار به ابهامات یاد شده پاسخی نداده است، لیکن مسلم آن است که صدور دستورالعمل و بخشنامه و نصب اعلامیه و پوستر و مواردی از این قبیل، نمی‌تواند محقق کننده‌ی شرط قانونی دیدن آموزش لازم باشد و در خصوص رسمی بودن و مدرک دار بودن آموزش‌ها و دوره‌های آموزشی، برابر اصول و قواعد کلی حقوقی و با لحاظ نفع و صلاح

متهم، باید دیدن آموزش لازم به صورت مستند و مستدل اثبات شود و صرف اعلام سازمان ذیربط مبنی برگذاردن دوره ی آموزشی لازم و توجیه بودن متهم کفایت نمی‌کند.

نکته ی مهم و قابل توجه دیگر این است که در صورت عدم وجود هر یک از شرایط ذکر شده (دیدن آموزش لازم، بیگانه یا دشمن بودن تخلیه کننده، داشتن مسئولیت حفاظتی و اطلاعاتی طبقه بندی شده) آیا باید مامور تخلیه شده را از مجازات معاف کرد یا اینکه او را به استناد مواد مربوط به افشای غیرعمدی اسناد و اطلاعات طبقه بندی شده (ماده ۲ قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی و ماده ۲۷ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح) مورد تعقیب قرار داده و به مجازات رساند؟

در بررسی رویه ی قضائی، در مواردی مشاهده شد که با فقدان برخی از این شرایط و به دلیل عدم امکان اعمال ماده ی قانونی مربوط به تخلیه ی اطلاعاتی، دادگاه به استناد مواد مربوط به افشای غیرعمدی اطلاعات طبقه بندی شده، مبادرت به صدور حکم محکومیت برای مامور تخلیه شده، کرده است.^۱ در مصاحبه های انجام شده، برخی این گونه استدلال کردند که در هر

۱. حکم زیر نمونه ای از این قبیل موارد است:

بسمه تعالی

شماره دادنامه ۱۵۷ تاریخ صدور ۸۵/۴/۲۸ کلاس پرونده ۷/۴۲/۶۷/۸۵

مشخصات متهم:

کارمند قراردادی فرزند متولد

صادره از شماره شناسنامه جمعی فاقد سابقه

موضوع اتهام، سهل انگاری و بی مبالاتی موجب افشای اطلاعات سری.

مرجع رسیدگی: شعبه دادگاه نظامی یک تاریخ رسیدگی: ۸۵/۴/۲۸

گردشکار:

برابر گزارش نامبرده فوق که بعنوان نیروی قراردادی و در رسته ...

انجام وظیفه می نموده در اثر بی مبالاتی و سهل انگاری، اطلاعاتی را با طبقه بندی سری افشا نموده است. محتویات پرونده گویای این امر است که فردی از عناصر نفاق با نام مستعارها شیمی با وی تماس گرفته و خود را یکی از مسئولین معرفی کرده و پس از کسب اطمینان و اعتماد وی در چندین نوبت تماسها را گرفته و اطلاعاتی را بصورت پراکنده اخذ نموده که اطلاعات ما خود به کمی پرداخت و اضافه شدن تفاسیر مورد دلخواه استکبار، در نشریه نفاق چاپ و از رسانه های غربی پخش و نهایتاً محملی جدید برای حمله علیه جمهوری اسلامی ایران فراهم گردیده است. متهم به صراحت به صحبت های مکرر با عنصر نفاق - البته بدون اطلاع از ماهیت وی - اعتراف کرده و مدعی شده آموزش هایی پیرامون موضوع **حفظ اطلاعات** و **یا تخلیه تلفنی** نداشته است. اطلاعات افشا شده به شرح برگ ۱۲۳ پرونده توسط شمرده شده است.

نهایتاً دادگاه پس از بررسی محتویات پرونده و استماع دفاعیات متهم، ختم رسیدگی را اعلام و به شرح ذیل مبادرت به صدور رای می نماید:

رای دادگاه:

در خصوص اتهام کارمند قراردادی فرزند دایر بر سهل انگاری و بی مبالاتی موجب افشای اطلاعات و تصمیمات سری، با توجه به گزارش ... ، کیفر خواست صادره و اعتراف صریح متهم بزهکاری وی را محرز دانسته و مستنداً به مواد (بند

صورت، مامور موصوف، موجب دسترسی دشمن یا بیگانه به اطلاعات دارای طبقه‌بندی گردیده و سبب افشا شده است و عمل او از مصادیق افشای غیرعمدی اطلاعات دارای طبقه بندی محسوب می‌شود و از آنجا که تحقق جرم افشای اطلاعات غیر عمدی مقرر در مواد ۲ و ۲۷ اخیر الذکر، منوط و مشروط به وجود قیود و شرایط مذکور نمی‌باشد، صدور حکم در چنین مواردی به استناد یکی از این مواد بلامانع خواهد بود. لیک با توجه به توضیحات قبلی و با در نظر گرفتن سیاق مواد قانونی ذریبط و نحوه نگارش آنها، به نظر می‌رسد جرم بی مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه بندی شده (تخلیه‌ی اطلاعاتی) غیر از افشای غیرعمدی اطلاعات است و با عدم وجود هر یک از شرایط مزبور، مرتکب را به دلیل عدم تحقق جرم، نباید مجازات کرد. شدیدتر بودن مجازات جرم افشای غیر عمدی اطلاعات طبقه بندی شده نسبت به مجازات تخلیه اطلاعاتی نیز مؤید این استدلال است.

۴-۲-۳) وسیله مجرمانه

کیفیت و نحوه‌ی ارتکاب جرم بی مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه بندی شده (تخلیه‌ی اطلاعاتی) به گونه‌ای است که دریافت اطلاعات توسط دشمنان و بیگانگان از مامورین دولتی و یا نظامیان، معمولاً مستلزم طراحی و زمینه چینی مناسب بوده و تخلیه کننده برای رسیدن به مقصود خویش، ناگزیر از پنهان کردن هویت واقعی خود و به کارگیری ترفندهایی جهت ترغیب مخاطب به همکاری در دادن اطلاعات می‌باشد. متداول ترین شیوه‌های به کار رفته توسط تخلیه کنندگان در این خصوص، تقلید صدا، استفاده بسیار ماهرانه از اصطلاحات متداول و رایج در صنف و قشری که تخلیه شونده به آن تعلق دارد، جعل هویت و استفاده از تلفن بوده است. برابر تحقیق انجام گرفته تقریباً در تمامی پرونده‌های رسیدگی شده، برای ارتکاب جرم از تلفن استفاده شده و تخلیه اطلاعاتی به صورت تلفنی واقع گردیده، به گونه‌ای که این جرم به «جاسوسی تلفنی» یا «تخلیه تلفنی» معروف شده است.

به رغم مطالب بیان شده، قانون‌گذار تحقق جرم را منوط و مشروط به استفاده و بهره برداری از وسیله و ابزاری خاص نکرده و در صورت جمع بودن شرایط مقرر قانونی، نوع

ب) ۲۷ از قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح و تبصره ذیل ماده ۱۸ از قانون مجازات اسلامی مشارالیه رابه هشت ماه حبس تعزیری محکوم می نماید.

رای صادره حضوری و غیرقطعی بوده و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظرخواهی در شعبه هم عرض خواهد بود. /

ل

دادرس شعبه دادگاه نظامی یک

وسیله و ابزار به کار رفته برای تخلیه، تأثیری در تحقق جرم ندارد. بنابراین، جرم موصوف از حیث ابزار مفید نیست و ارتکاب آن با استفاده از هر ابزاری و به هر شکلی امکان پذیر است.

۵-۲-۳) زمان و مکان وقوع جرم

مکان در تحقق این جرم مدخلیتی ندارد و وقوع آن در هر مکانی که باشد در صورت جمع بودن شرایط قانونی، مرتکب را مستوجب مجازات می کند. لیکن عامل زمان می تواند در میزان مجازات مرتکب، تأثیرگذار باشد، به این گونه که چنانچه جرم بی مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه بندی شده (تخلیه‌ی اطلاعاتی) توسط مأمورین دولتی غیر نظامی، در زمان جنگ ارتکاب یابد، مرتکب به موجب ماده ی ۵۰۹ قانون مجازات اسلامی به مجازات اشد این جرم (۶ ماه) محکوم می گردد. به عبارت دیگر، قانون گذار برای زمان جنگ اختیار قاضی را در تعیین میزان مجازات بین حداقل و حداکثر مقرر در ماده‌ی ۵۰۶ متنفی اعلام و مجازات حداکثر را به عنوان تنها مجازات جرم تعیین کرده است.

۶-۲-۳) نتیجه مجرمانه

با توجه به مقررات قانونی، جرم بی مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه بندی شده (تخلیه اطلاعاتی) از جمله جرایم مطلق است و تحقق آن منوط به منتهی شدن رفتار مجرمانه به نتیجه خاص نیست. به عبارت دیگر با دست یابی دشمنان و یا بیگانگان (در ارتباط با افراد نظامی) به اطلاعات طبقه بندی شده و صرف نظر از این که اقدام مزبور منتهی به نتیجه خاص دیگر شود یا خیر، جرم به صورت کامل تحقق یافته و مأمور تخلیه شده قابل تعقیب و مجازات خواهد بود.

۳-۳) رکن روانی

وجود قصد ارتکاب برای تحقق جرم از ضروریات است، ولی این قصد در تمامی جرائم ماهیت یکسان ندارد. گاهی مرتکب جرم، هم خواهان ارتکاب رفتار مجرمانه است و هم نتیجه‌ی حاصل از آن را طلب می کند. در این حالت فرد دارای قصد مجرمانه بوده و مرتکب جرم عمدی شده است. لیکن در برخی موارد مرتکب جرم، رفتار مجرمانه را با اراده انجام می دهد، ولی نتیجه حاصله از آن را خواستار نیست و چه بسا حتی چنین نتیجه ای را پیش بینی هم نکند. در این صورت، عنصر روانی جرم از خطا تشکیل می شود و جرم ارتكابی، غیر عمدی است (صانعی، ۱۳۷۱، ص ۳۰۸). خطای کیفری ممکن است به صورت بی احتیاطی، بی مبالاتی، عدم رعایت نظامات دولتی و عدم مهارت واقع گردد.

جرم بی مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه بندی شده (تخلیه‌ی اطلاعاتی) از جرائم غیر عمدی و رکن روانی آن از نوع خطای کیفری است. قانون‌گذار در مواد پیش گفته با استفاده از عبارت «در اثر بی مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی» به این موضوع تصریح کرده است. از آنجا که در مواد قانونی مربوط به این جرم فقط دو مصداق از مصادیق خطا ذکر شده و اشاره‌ای به سایر مصادیق صورت نگرفته است، نمی‌توان با این توجیه که «قانون‌گذار در مواد مختلف، این واژه‌ها را فراوان به جای یکدیگر به کار می‌برد» (زراعت، ۱۳۸۲، ص ۶۰). بر خلاف اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اعمال دیگر ناشی از مصادیق ذکر نشده‌ی خطا را که قانون به آنها نپرداخته، مشمول حکم دانست.

نکته دیگر این است که باید بین بی مبالاتی یا عدم رعایت اصول حفاظتی توسط مامور و تخلیه شدن او توسط دشمنان رابطه‌ی علیت وجود داشته باشد تا بتوان او را مسئول شناخته و مجازات کرد. بدین ترتیب در صورت انتفای این رابطه و هم چنین در صورتی که مامور دولتی (یا فرد نظامی) در حفظ اطلاعات مورد بحث تمام ضوابط و اصول مقرر قانونی را رعایت کرده و هیچ خطایی از او سر نزده باشد و با وجود این تخلیه اطلاعاتی شود مسئول نخواهد بود و نمی‌توان او را به استناد این مواد مجازات کرد؛ مثل موردی که ماموری تحت تاثیر مستی اجباری و یا در حالت خواب تخلیه شود.

با توجه به اینکه بی احتیاطی از مصادیق خطای جزایی است که با بی مبالاتی تفاوت مفهومی دارد، به نظر می‌رسد عدم ذکر آن در متن قانون و اکتفا به ذکر «بی مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی» ایرادی است که متوجه این بخش از ماده قانونی می‌باشد.

۴) تفاوت جرم بی مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده (تخلیه‌ی

اطلاعاتی) با جرم افشای غیر عمدی اطلاعات دارای طبقه‌بندی

در برخی از متون حقوقی به صراحت و در برخی دیگر به طور ضمنی این دو جرم را یکسان و یا کاملاً مشابه گرفته‌اند. لیکن به رغم برخی شباهت‌ها، این دو جرم از لحاظ ماهیت و شرایط تحقق یکسان نبوده و دارای تفاوت‌هایی به شرح زیر هستند که آنها را از هم متمایز می‌سازد.

۱- در جرم بی مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه بندی شده (تخلیه‌ی اطلاعاتی)، مأمور دولتی مرتکب جرم باید دارای مسئولیت امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه بندی شده باشد در صورتی که وجود این مسئولیت برای تحقق جرم افشای غیر عمدی اطلاعات طبقه بندی شده ضرورتی ندارد.

- ۲- گذراندن آموزش لازم توسط مأمور دولتی، شرط تحقق جرم بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه بندی شده می‌باشد ولی در جرم افشای غیر عمدی چنین شرطی وجود ندارد.
- ۳- اطلاعات طبقه بندی شده در نتیجه‌ی تخلیه‌ی اطلاعاتی، باید در اختیار دشمنان و بیگانگان قرار گیرد. در جرم افشای غیر عمدی با قرار گرفتن اطلاعات در اختیار هر فرد ناصالحی جرم محقق می‌شود.
- ۴- از همه مهم‌تر در جرم تخلیه‌ی اطلاعاتی، مرتکب جرم منفعلانه در فرآیند تکوین جرم، شرکت دارد و به عبارت قانون‌گذار، او را تخلیه می‌کنند. لیکن در جرم افشای غیر عمدی، دارای نقشی فعال است و اطلاعات را خود رأساً (البته به صورت غیرعمد) افشاء می‌کند.

(۵) نتیجه گیری

جرم بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه بندی شده (تخلیه‌ی اطلاعاتی) از جمله جرائم علیه امنیت است که در اثر بی‌مبالاتی و عدم رعایت نظامات دولتی واقع می‌شود و به عبارت دیگر این جرم از جرائم غیرعمدی است که طی آن مأمور دولتی توسط دشمنان تخلیه شده و اطلاعات طبقه بندی شده‌ی نظام را در اختیار تخلیه کننده قرار می‌دهد. برای این که این عمل موجب مجازات مأمور گردد قانون‌گذار جمع بودن شرایطی را لازم دانسته است؛ این شرایط عبارتند از این که مأمور دولتی باید در خصوص نحوه‌ی حفظ اطلاعات طبقه بندی شده، آموزش لازم را دیده و دارای مسئولیت امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه بندی شده نیز باشد. البته قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، شرط داشتن مسئولیت امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه بندی شده را برای افراد نظامی پیش بینی نکرده و علاوه بر دشمنان، تخلیه‌ی نظامیان توسط بیگانگان را نیز محقق کننده‌ی جرم اعلام کرده است.

از آنچه بیان گردید و توضیح داده شد، این نتیجه‌ی مسلم به دست می‌آید که در تهیه و تدوین مقررات قانونی مربوط به جرم بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه بندی شده (تخلیه‌ی اطلاعاتی)، دقت و توجه لازم صورت نگرفته و ایرادات و ابهاماتی اساسی متوجه مواد موصوف می‌باشد، به گونه‌ای که موجب اختلاف نظر و تفاوت برداشت شدید و زیاد و ارائه تحلیل‌های بسیار متنوع از متن قانون گردیده است؛ عدم ارائه‌ی تعریف مشخص از جرم، عدم تعیین نوع، میزان و کیفیت آموزش لازم، عدم تفکیک بین طبقات مختلف اسناد، جرم ندانستن تخلیه‌ی کارمندان آموزش دیده‌ی فاقد مسئولیت حفاظتی و اطلاعاتی طبقه بندی شده و عدم شمول مقررات نسبت به سایر شیوه‌های احتمالی ارتکاب، از جمله‌ی آنها می‌باشد.

منابع و مأخذ

۱. اشرافی، ارسلان (۱۳۸۰)، جاسوسی به نفع اجانب در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، شیراز، انتشارات تخت جمشید.
۲. پیمانی، ضیاء الدین (۱۳۸۰)، حقوق کیفری اختصاصی (۳) - جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ پنجم، تهران، نشر میزان.
۳. جمعی از پژوهشگران (۱۳۸۵)، سازمان مجاهدین خلق - پیدایی تا فرجام (۱۳۸۴ - ۱۳۴۴)، جلد سوم، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.
۴. حبیب زاده، محمد جعفر (۱۳۸۶)، تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
۵. زراعت، عباس (۱۳۸۲)، شرح قانون مجازات اسلامی - بخش تعزیرات (۱)، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس.
۶. ساریخانی، عادل (۱۳۷۸)، جاسوسی و خیانت به کشور، چاپ اول، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۷. سبحانی، محمد حسین (۱۳۸۶)، روزهای تاریک بغداد، پایگاه اینترنتی کانون قلم، شماره های ۵۷ و ۵۸.
۸. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۵)، حقوق کیفری اختصاصی - جرائم برضد مصالح عمومی کشور، جلد سوم، چاپ پنجم، تهران، انتشارات ژوبین و انتشارات مجد.
۹. صانعی، پرویز (۱۳۷۱)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، گنج دانش.
۱۰. عبدالملک، جندی (بی تا)، الموسوعه الجنائیه، جلد چهارم، بیروت، دارالحیاء التراث العربی.
۱۱. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۵)، حقوق جزای اختصاصی، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. مالمیر، محمود (۱۳۸۳)، شرح قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر.
۱۳. مجیدی، سید محمود (۱۳۸۶)، حقوق کیفری اختصاصی - جرائم علیه امنیت، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۱۴. مرتضوی، سعید (۱۳۸۵)، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
۱۵. میر محمد صادقی، حسین (۱۳۸۳)، حقوق کیفری اختصاصی - جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان.
۱۶. یزدانیان، محمد رضا (۱۳۸۳)، «شرح قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح»، مجله دادرسی، سال هشتم، شماره ۴۷، صفحات ۴۰ تا ۴۴.